

آرمانگرایی عامل موفقیت یا مانع پیشرفت...!

من بارها و بارها در میان طلاب حاضر شده ام و هر بار که خواسته ام برای ترسیم آینده ای روشن برای ایشان، راهکار نشان دهم، تقریباً رفتاری مشترک را از ایشان مشاهده کرده ام که انگشت اتهام خود را به سوی مسئولین حوزه علمیه دراز کرده اند و بار مسئولیت را از روی دوش خود برداشته اند.

البته بسیاری از انتقادات طلاب به مسئولین وارد است و این نگارنده نمی خواهد مشکلات عدیده طلاب را نادیده بگیرد و مسئولین حوزه را از هر نقدی مبرا کند. اما سوال این است که تا کی می خواهیم سرنوشت خود را به دست دیگری بسپاریم که اعتقاد داریم تمام مشکلات ما به دست آن ها رقم خورده است.

روی سخنم با طلابی است که گمان می کنند باید فقط درس بخوانند (اگر بخوانند و درست بخوانند) و سپس منتظر بمانند تا کسانی پیدا شوند و از آن ها دعوت کند تا محرابی، منبری، کرسی تدریسی، میز اداره ای یا تریبون نماز جمعه ای را به او بسپارند و با عزت و احترام، او را روی سر خود حلوا حلوا کنند. اما دریغ که چنین رویایی بدون ایجاد لوازم آن، حتی اگر علامه دهر باشیم، محقق نخواهد شد.

شاید شما بگویید این را همه می دانند و مطلب جدیدی نیست. آری درست است اما آنچه از آن غفلت می شود ریشه چنین مشکلی است. به نظر شما چرا برخی طلاب دست روی دست می گذارند و تنها به درس خواندن آن هم نه جنبه های کاربردی علمشان بلکه فقط به اندوختن علوم حوزوی (علمی که ارتباط مستقیم با نیاز بالفعل جامعه ندارد و کاربردی نیست) اکتفا نموده و انتظار دارند پس از اتمام درسشان بتوانند وارد عرصه های مهم جامعه شوند و هدایت و رهبری جامعه را به دست بگیرند و وظایف خطیر یک عالم دینی را به عهده بگیرند. سوال این است که آیا آن دسته از عالمانی که اکنون در جایگاه هدایت و رهبری جامعه اسلامی قرار دارند، صرفاً به اندوختن علوم حوزوی اکتفا کرده اند و بلافاصله پستی حساس (از مرجعیت گرفته تا امام جماعت) در نظام اسلامی را به آن ها سپرده اند؟؟

آرمانگرایی!! آری آرمانگرایی ریشه بسیاری از تعلل ها و انتظارات بی جایی است که برخی طلاب را به ورطه بی عملی کشانده است. شاید بگویید تا کنون آرمانگرایی را واژه ای با بار معنایی مثبت تلقی می کرده اید و آن را عامل پیشرفت و ترقی می دانسته اید. پس ادامه این مطلب را با دقت مطالعه کنید تا بدانید چگونه آرمانگرایی می تواند مانع برخی طلاب از رسیدن به تمام آرمان هایشان شود.

نشنیده ام، بلکه بارها و بارها دیده ام که بسیاری از طلاب به خاطر داشتن آرزوهای بزرگی که در سر دارند، از انجام بسیاری از کارهای پیش پا افتاده خودداری می کنند و گمان می کنند که روزی خواهد رسید که با ادامه روند تحصیل در حوزه به جایی می رسند که همان سرمنزل مقصود و منتهای آرزوی آنان است. اما این تفکری اشتباه و معلول همان آرمانگرایی است که مطرح شد. چرا که مسلماً با اندوختن دانش تنها آن هم دانشی که هیچ رابطه مستقیمی با نیازهای جامعه ندارد، اگر با اقدام و عمل و تجربه اندوختن و مهارت افزایی برای تبدیل دانش به محصول مورد نیاز جامعه همراه نشود، ما را به آرزوهایمان نخواهد رساند.

این روند گاهی ۱۵ سال و حتی بیشتر زمان خواهد برد تا برخی به خود بیایند و بفهمند که راه را اشتباه رفته اند و به خاطر به دست آوردن چیزی که در گذشته موجود بوده به آینده ای مبهم چشم دوخته اند. درست مانند این مصرع پر معنا که می گوید: یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم. شاهد گفتارم طلابی هستند که اکنون در درس های خارج مشغول تحصیل اند. افرادی که اگر در یک مصاحبه عمیق از آنان پرسیده شود که با چه هدفی و به چه امیدی در این درس ها شرکت می کنند، اغلب پاسخی مشابه و مبهم می دهند که پرسش کننده خواهد فهمید که اغلب آنان، اهدافی بزرگ در سر دارند اما چیزی در خورجین مهیا نکرده اند که نشان دهد روزگار آن ها در راستای اهدافشان سپری شده و ایشان را به جایگاه مطلوبی رسانده است.

راه حل:

به راستی آیا این آرمانگرایی که ما را به ورطه بی عملی کشانده راه حلی دارد که به جای مانع بودن، معدی برای رسیدن به اهدافمان باشد؟

پاسخ ما مثبت است و راه حل آن یک جمله بیشتر نیست. از نردبان باید پله پله بالا رفت.

قطعاً شما نمی توانید بدون طی کردن پله های اول نردبان، قدم بر پله آخر بگذارید. اما این همان معنای آرمانگرایی است که عملاً ما را به همین اقدام فرا می خواند. ریشه این آسیب بزرگ را باید در سال های ابتدایی ورود به حوزه جستجو کرد که طلاب با آرزوهای بزرگی که در سر دارند وارد حوزه می شوند و می خواهند دنیا را تغییر دهند. و افرادی را الگوی خود قرار می دهند که تاثیر بسزایی در دنیای خود گذاشته اند. اما حاضر نیستند راهی را نیز که او طی کرده و به این جایگاه رسیده طی کنند. خیال می کنند که با قدم گذاشتن در این راه و تنها اندوختن دانش دین خواه ناخواه به آن جایگاه می رسند.

آری در بالا گفته شد که آن چه اکنون موجود است را در آینده جستجو می کنیم. سوال این است که آن چیست و چگونه می توان آن را هم اکنون به دست آورد. پاسخ نیز این است که نردبان خود را بیاب و همین الان پای خود را روی اولین پله آن بگذار. شاید این پله چیزی نیست که تو در پی آن هستی اما قطعاً بدون آن نیز نمی توانی به پله دوم قدم بگذاری.

اگر در پی مجتهد شدن هستی پله اول تو تسلط تو بر ادبیات عرب است، اما ادبیات عرب چیزی نیست که تو در پی آن هستی. اگر آرمان تو انقلاب مذهبی شیعه در اروپا است، اولین پله نردبان مهارتی تو زبان آموزی است.

لطف بزرگی به همراهان ما در مسیر طلبه می کنید اگر آرمان خود را در نظرات منعکس کنید و بگویید پله اول برای رسیدن به آرمان تان چیست؟ شاید آرمان شما با افراد دیگری مشترک باشد و به آن ها کمک شود تا پله های نردبان خود را یک به یک و قدم به قدم طی کنند

برای مشاهده دیگر مقالات خودشناسی کلیک کنید